



۲۰۲۱/۰۷/۱۱



سید ذوالمجد عالمشاهی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حور بهشتی ؟

در باب «حور» بسیار گفته شده و بسیار خیال ها در باب اندام و سیمای شان بافته شده است. نگارنده در صد تکرار آن نیست. و اما پس «حور» چیست؟ در این مختصر کوشیده شده تا بلکه مفهوم «حور» روشن گردد و خوان بهشت الهی با میزبانی خدای مهربان باین گونه بافته ها آغشته نشود.

پیش از پرداختن به «حور» تذکر این نکته شایسته است که در زبان عربی قاعده **تغلیب** جاری است و آن اینکه اگر در جایی هر قدر زن باشد و یک بچه گنگ هم حضور داشته باشد تمامی افعال و ضمائر مذکر می شود. از این رو هر جا فعل و ضمیر مذکر می بینیم خطاب آن به همه انسان هاست و موارد استثنایی با ضمائر و افعال مونث می آید. غفلت از این اصل سبب شده است که عده ای بهشت را مردانه بسازند و نعمت های به زعم خود زیبا از برای مردان تدارک ببینند. اما بهشت به تصریح قرآن مجید "دارالمتقین" است یعنی برگشتگاه **متقین** که شامل مرد و زن می شود.

قیامت؛ برپایی و در نتیجه تجسم کار کرد های ماست تا داوری خدای انجام گیرد و ساکنان دار **المتقین** و **دارالقرار** و هم **دارالفاسقین** و **دارالخلد آتشین** هر یک به برگشتگاه های شان بروند. این بازده اعمال آدمیان است در جهان خاکی و به تصریح قرآن پاک (کل نفس بما کسبت رهینه) (مدر-38) هر کسی در گروهی کرده های خود است.

قرآن پاک در آیات 7 و 8 سوره زلزله می فرماید: (**فمن یعمل مثقال ذره خیرا یره . و من یعمل مثقال ذره شرا یره**) هرکسی به اندازه ذره ای عمل خیر کند آن را می بیند و هر کس به اندازه ذره ای عمل شر کند آن را می بیند (این دیدن اعمال همان تجسم هاست که "رویت" (دیدن) می شود. خداوند کریم تجسم ذره ای عمل خیر را طبق وعده خود چندین و چندین برابر می کند . حضرت رسول مکرّم دنیا را مزرعه آخرت می خوانند تا به ما افهام کرده باشند که هر چه می کاریم درو می کنیم , هر درختی می کاریم میوه همان را می گیریم. در همین دنیا هم با استفاده از همین فرموده حضرتش می بینیم که حاصل کاشتن خسته خرما , درخت خرما با هزاران خرما ودانه های خرماست و امکان ندارد که در پهلوی درخت خرما یک درخت سیب هم سر بکشد , صرف به خاطر خوب بودن آن کسی که خسته خرما را کشت کرده بوده است . هرکسی کشته خود را درو می کند اما به مراتب زیباتر و بهتر .

حالا اولین پرسش از آن هایی که «حور» را (زیبا رویان سفید پوست همیشه باکره چشم کلان و با اندام های آن چنانی) توصیف می کنند, این خواهد بود که این حور با این تجسم نتیجه کدام (ذره از عمل خیر) بوده است که ثمره آن این چنین شده است؟ در حالیکه برداشت از فرموده حضرت رسول مکرّم این است که گندم زگندم روید و جوز جو.

ببینیم کلمه «حور» از نگاه لغت شناسی به چه معناست و تحولات آن چگونه بوده است. حور جمع "احور" (مذکر) و حوری (حورا - مونث) است , پس حور اسم جمع مذکر و مونث است به این صورت هیچ اسمی بیرون از آن نمی ماند. «حور» (بر وزن دهنه) به معنای برگشتن است . اصطلاحات آشنای آن در فارسی ما (محاوره) است همان که دو نفر گپ می زنند و گپ ها بین دو نفر در رفت و آمد می شوند. اصطلاح دیگر محور است و آن میله ای که یک شئی یا اثنبایی دور آن می گردند و به مجرد ضعف قوه فرار از مرکز به میله بر می گردند. کلمه های حیران, تحیر, حیرت هم از همین ریشه است . در قرآن مجید(سوره انشقاق آیت 14) از فعل "لن یحور" استفاده شده که به معنای "هرگز بر نمی گردد" است و در سوره مجادله از (تحاورکما) به معنای "گفتگوی شما دو نفر"

اما چگونه "حور" به معنای (برگشته ها) به معنای **پری های با آن خصوصیات شده است**؟ در روزگار قدیم و شاید چهل پنجاه سال پیش هم که دویی ها کار شستشوی لباس ها را انجام می دادند از برای پاک کردن لباس ها و زدایش چرک و کثافت از یک چوب استفاده می کردند و آن را مکرر به لباس ها می کوبیدند تا پاک و پاکیزه شود. این بلاو پایان رفتن حرکت چوب لباس شوی را "حوار" کرد و "حور" هر آن چیزی شد که پاک شده بود. همراهان حضرت عیسی **حواریون** شدند که هم با او هم صحبت بودند و همه مردمان پاک سرشت و پاک طینت . می بینیم که

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکني د ليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولۍ

آهسته آهسته معنای اصلی " برگشتن " فراموش شد و معنای مجازی پاکی و خوب بودن جای آن نشست . در نزد اعراب " عین " گاو وحشی دارای چشم های بزرگ بود از برای مبالغه آن را هم به «حور» افزودند و از آن مفهوم " زیبا یان پاک دارای چشم های بزرگ " آفریدند و سفیدی را هم از پاکی عاریه گرفتند. حور عین مورد استفاده قرآن مجید همان مفهوم " برگشته های اعمال آدمی و مجسم در نهایت جمال و کمال " است. با توجه به معنای برگشتن می بینیم که همه ما " انا الیه راجعون " هستیم یعنی در برگشت مدام و دوم آن که " دار " در دار الاخره , دار المتقین, دارالقرار, دارالفاسقین , دار الخلد آتشین تکرار می شود و با حور (بر وزن دهنه) در تقارن معنایی می آید. دار که خانه معنا می شود از دور است همان که در فارسی هم می گوئیم دور خوردن و آمدن به خانه ای که از برای برگشتن برای خود تدارک دیده ایم .

خوانند بزرگ دار الاخره را که در واقع " برگشت گاه دیگر " است در سوره نجم آیت 47 (نشا الاخری) (آغاز دیگر) می خواند , دنیای دیگر عالم غیب است . قرآن با آوردن کلمه (مثل الجنه) در صدد انتقال معنای بهشت به ما از راه " مثل " آوردن است . مثلا ما هم اگر کسی را در نظر بگیریم که از همان اول تولد تا سنین بالا در یک اطاق زندگی کرده باشد و بیرون نرفته باشد و کسی بخواد جهان بیرونی را به او معرفی کند از چه چیز های باید استفاده کند تا صورت و معنای اشیا خارج را به او تفهیم کند؟ آسمان, آفتاب, ابر و باران , ستاره ها و بحر ها, حیوانات, پرندگان , انسان ها و ملیون ها ملیون موجود دیگر را به او چگونه تشریح کند؟ او به ناچار خواهد کوشید تا از اشیا داخل همان اطاق برای او مثل بیاورد تا بلکه بتواند مفهومی را انتقال داده باشد. زمین ما در مقایسه با بهشت که نمایش زمین و آسمان هاست حکم همان اطاق کوچک را دارد. پس به ناچار هر زمان خدای از جهان دیگر می گوید می باید به معنای مجازی مثل ها هم دقت شود. هزار البته که ما در فهم بسیاری از آن ها بسیار ناتوان هستیم و در نتیجه , مفهوم جنت به همان گونه جنت (پوشیده) باقی خواهد ماند.

خوانده ایم که با **حوریان** ازدواج صورت می گیرد. پس می باید تعریف ازدواج را در قرآن مجید دریابیم تا بلکه به این مفهوم دسترسی حاصل آید. قرآن برای این عملیه از فعل " **زوجنا** " (با تشدید واو) استفاده می کند که به معنای **تزوج** است و خدای خود این کار را میکند. به سخن دیگر **زوج کردن** ارزش های والای زیبا با جسم انسان بهشتی. قرآن هدف ازدواج را " **لتسکنوا** " عنوان می کند که همانا رسیدن به آرامش (از نگاه قلبی) و آسایش (از نگاه بدنی) است . این تزویج بهشتی ها با " برگشته های زیبا " ی شان زمینه ساز اسکان در دارالسلام است .

قرآن مبین زن و شوهر را لباس هم می خواند. لباس در یک معنا همان پوشش است و در معنای دیگر اختلاط و امتزاج عناصر با هم . با معیار قرآنی زن و شوهر از نگاه معنوی مختلط با هم می شوند یعنی هر دویکی می شوند تا کار زندگی پر از آرامش و آسایش را سامان دهند و این کمال به مودت و رحمت هادی باشد. در بهشت این حالت به دارالقرار می انجامد چون دیگر از بی قراری های مشخصه جهان مادی در آن خبری نیست . با این گونه **تزوج** است که طهارت جز انسان بهشتی می شود و اومطهر می گردد. در این مقام " **لهم ازواج مطهره** " (از برای آن هازوج های مطهر است) محقق می شود , تا اگر ساکنان کوی بهشتی که حالا همه مطهر اند و نه **حور عین** با هم ازدواج کنند.

ابکار جمع **باکر** و **باکره** است . **باکر** و **باکره** به **مرد** و **زن** سحر خیز گفته می شود که بر می خیزند و به راه می افتند و چون قاعدتا سحرخیزان با نشاط و تازه اند , **باکر** و **باکره** به کسانی گفته می شود که همیشه تازه پر نشاط اند. در فارسی ما هم ابتکار و مبتکر از همین ریشه اند . آورده اند که روزی عمه حضرت رسول مکرم که جوان نبود از حضرت پرسید که آیا به بهشت می رود؟ حضرت فرمودند با این حالت نه! و از اطاق بیرون رفتند وقتی برگشتند دیدند که عمه شان گریه میکند پرسیدند چرا؟ گفت توگفتی من به بهشت نمی روم. حضرت فرمودند یعنی در این حالت پیری به بهشت نمی روی. پس باکره بودن خانم ها نشانه نشاط , جوانی و تازه گی شان در بهشت است .

امیدوارم با این توضیحات در بینش ما به **حور** تعدیل صورت بگیرد.



د پانوی شمیره: له 2 تر2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی